

تحلیل هفته

شماره: 493

(06 - 10 میزان 1404 هـ ش)

تحويل پایگاه هوایی بگرام به ایالات متحده؛ چالش‌ها و پیامدهای آن



این نشریه هفته‌وار، تحلیل رویدادهای مهم سیاسی، اقتصادی، امنیتی و اجتماعی افغانستان و منطقه است که به زبان‌های پشتو، دری، انگلیسی و عربی توسط مرکز مطالعات استراتژیک و منطقوی تهیه و نشر می‌گردد.

آنچه درین شماره می خوانید:

- تحویل پایگاه هوایی بگرام به ایالات متحده؛ چالش ها و پیامدهای آن 3
- نوع مذاکرات ترامپ و دیپلماسی فشار 4
- ترامپ از به دست آوردن این پایگاه چه هدفی دارد؟ 5
- واکنش ها در برابر این اظهارات ترامپ 6
- فواید تحویل پایگاه هوایی بگرام به ایالات متحده آمریکا 6
- زیان های تحویل پایگاه هوایی بگرام به ایالات متحده 7
- پایله 8
- منابع 8

تحويل پایگاه هوایی بگرام به ایالات متحده؛ چالش‌ها و پیامدهای آن

مقدمه

پایگاه هوایی بگرام در سال ۱۹۵۰ میلادی توسط اتحاد شوروی ساخته شد؛ که در ابتدا تنها یک باند پرواز (رن وی) معمولی برای هواپیماهای کوچک بود و بعدها به یک پایگاه نظامی بزرگ تبدیل گردید. اتحاد شوروی در جریان جنگ شوروی-افغان از این پایگاه به عنوان یک ابزار استراتژیک استفاده می کرد؛ از همین جا عملیات را سازمان دهی می کرد و حریم هوایی افغانستان را از آن کنترل می نمود. این پایگاه چندین بار از سوی مجاهدین افغان علیه اتحاد شوروی هدف حمله قرار گرفته بود. هنگامی که نیروهای شوروی در سال ۱۹۸۹ میلادی در افغانستان شکست خوردند و از آن کشور بیرون رانده شدند، این پایگاه در جریان جنگ های داخلی بین گروه های مختلف دست به دست شد و در نتیجه زیرساخت های آن خراب گردید. وقتی که در سال ۲۰۰۱ میلادی ایالات متحده به افغانستان حمله کرد و آن را اشغال نمود، کنترل پایگاه نظامی بگرام را نیز به دست گرفت؛ امریکا این پایگاه را به مرکز عملیات نظامی تبدیل کرد. آنان این پایگاه را گسترش دادند، ساختمان های جدیدی در آن ساختند، باندهای پرواز (رن وی) را تعمیر و افزایش دادند، محل های اقامت و تأسیسات وسیعی در آن ایجاد کردند، به گونه ای که این پایگاه حالت یک شهر کامل را به خود گرفت؛ بیش از ده هزار سرباز در آن مستقر شدند، بیمارستان ها، فروشگاه ها و حتی هتل ها در آن ساخته شد.¹

همچنان بگرام به مرکز وحشت امریکایی تبدیل شد؛ آنان در اینجا افرادی را به طور غیرقانونی و بدون محاکمه زندانی کرده بودند که یا علیه شان می جنگیدند یا متهم به مبارزه علیه آنان بودند.

پایگاه هوایی بگرام از دو جنبه برای امریکایی ها اهمیت استراتژیک دارد: اول، این پایگاه در زمان اشغال، مرکز اساسی عملیات امریکایی ها بود؛ از همین جا مأموریت های جنگی در منطقه و داخل افغانستان اجرا می شد، و این پایگاه می تواند همچنان به عنوان مرکز پایه ای برای کنترل نفوذ سیاسی امریکایی ها و جمع آوری اطلاعات استخباراتی در منطقه عمل کند. دوم، به سبب وسعت خود، پایگاه بگرام برای امریکایی ها از اهمیت استراتژیک برخوردار است؛ امریکایی ها می توانند به آسانی تمامی تجهیزات لجستیکی، تسلیحات نظامی، هواپیماهای سنگین و نیروهای خود را در اینجا مستقر کنند و این پایگاه برای انجام تمرینات نظامی نیز کافی است.

به تازگی ترامپ به صورت تهدید گفته است که امارت اسلامی باید این پایگاه را به ما تحويل دهد و اگر این کار را نکند، با وضع بسیار بدی مواجه خواهد شد.² پرسش این است که ترامپ از به دست آوردن این پایگاه

چه هدفی دارد؟ اگر امارت اسلامی این پایگاه را به ایالات متحده تحویل دهد، چه منافع و زیان‌هایی خواهد داشت؟ برای پاسخ به همین پرسش‌ها این تحلیل نوشته شده است.

نوع مذاکرات ترامپ و دیپلماسی فشار

دونالد ترامپ در زمینه انجام مذاکرات به‌خاطر اظهارات صریح، وارد کردن فشار زیاد، به‌کارگیری زور و بی‌اعتنایی معروف است؛ او سبک خاصی در مذاکره دارد که در اینجا به‌طور خلاصه مورد بحث قرار می‌گیرد:

۱. آغاز گفتگوها با مطالبات بزرگ و فراتر از انتظار

ترامپ همیشه مذاکرات را بر پایه خواسته‌هایی آغاز می‌کند که غیرمنتظره و به‌نظر ناممکن می‌آیند که به آن «تکنیک در به روی صورت» (The “Door in the Face” Technique) نیز گفته می‌شود؛^۳ طوریکه از کشورها خواسته است که قراردادهای تجاری امضا شده با ایالات متحده را دوباره مذاکره کنند، درخواست اینکه کانادا ایالت پنجاه‌ویکم ایالات متحده شود، ادعای اینکه گرینلند و پاناما متعلق به ایالات متحده‌اند، و تهدید به حمله اگر منافع ایالات متحده تأمین نشود. در برابر این خواسته‌های بزرگ، کشورها احساس هراس و اضطراب می‌کنند و آماده می‌شوند تا خواسته‌های اصلی ترامپ را که در مقایسه با مطالبات مطرح‌شده در سطح پایین‌تری‌اند، بپذیرند.

۲. همه یا هیچ (سود یا زیان)

ترامپ معمولاً در مذاکرات یا تمام سود را به‌دست می‌آورد و یا زیان می‌بیند؛ او میانه‌روی را قبول ندارد و کل تیم خود را برای حمایت از این موضع هدایت می‌کند تا یا چیزی به‌دست آورند یا کاملاً آن را از دست دهند.

۳. وارد کردن فشار زمانی

ویژگی دیگر سبک مذاکره ترامپ این است که او فشار زمانی وارد می‌کند، به‌صورت مصنوعی حالت اضطراری ایجاد می‌نماید و به کشورها القا می‌کند که زمان برای این معامله بسیار کم است و باید عجله کنند. کشورها در مواجهه با حس کمبود زمان مضطرب می‌شوند و مجبور می‌گردند سریع اقدام کنند و در نتیجه در اولین لحظات شتاب‌زده، ترامپ خواسته‌هایش را می‌پذیراند.

۴. رفتار طوری که طرف مقابل فکر کند او هر کاری از دستش برمی‌آید

ترامپ اغلب چنان رفتاری دارد که پیش‌بینی‌ناپذیر به‌نظر می‌رسد و مردم آن را دیوانگی می‌پندارند؛ از طریق این رفتار غیرقابل پیش‌بینی او می‌خواهد بر طرف مقابل فشار آورد تا گمان کند گفته‌های او بی‌پایه نیست و

نمی‌توان به سادگی به او اعتماد نکرد؛ مردم تصور می‌کنند او می‌تواند هر کاری انجام دهد و از این طریق طرف مقابل وادار به تعامل و پذیرفتن برخی شروط می‌شود.

۵. بهره‌گیری از شبکه‌های اجتماعی به عنوان ابزار فشار

ترامپ نارضایتی، خشم، زور یا هشدارهای خود را از طریق شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌کند تا بر طرف مقابل فشار وارد کند و او را در مذاکرات به پذیرش شرایطش وادار سازد.⁴

ترامپ از به دست آوردن این پایگاه چه هدفی دارد؟

۱- ایالات متحده می‌خواهد همچنان بر نظام بین‌المللی سلطه داشته باشد و بر جهان تسلطش را حفظ کند. ایالات متحده در چند سال گذشته دریافته است که چین و روسیه تهدیدی در برابر این نظام هستند؛ بنابراین تلاش کرده روسیه را در اوکراین و چین را در تایوان درگیر جنگ کند تا رشد اقتصادی‌شان کند شود و از رقابت با ایالات متحده باز بمانند، اما چین در این زمینه محتاطانه عمل کرده است. پس از آن، ایالات متحده کوشش کرد منافع چین را در منطقه هند-اقیانوسیه (ایندوپاسفیک) تهدید کند؛ با استرالیا پیمان «آکوس» را امضا کرد، ائتلاف چهارجانبه «کوآد» را با هند، استرالیا و جاپان تشکیل داد و تلاش نمود در تنگه مالاکا نیز موانعی در برابر تجارت چین ایجاد کند، ولی در این زمینه هنوز موفقیت کامل نداشته است؛ بنابراین اکنون ایالات متحده می‌خواهد در چند کیلومتری نزدیک چین اطلاعات استخباراتی درباره چین جمع‌آوری کند، نفوذ چین در منطقه را مهار نماید و در مواقع لزوم عملیات پنهانی علیه آنها انجام دهد. برای انجام این کارها، پایگاه بگرام فرصت خوبی برای امریکایی‌ها است و از همین‌رو خواستار تصاحب آن هستند.

۲- از آنجا که ایالات متحده حضور نظامی مستقیم در افغانستان ندارد، هدف از به دست آوردن پایگاه بگرام برایشان این است که اطمینان حاصل کنند در خاک افغانستان پناهگاه‌های مخفی القاعده یا دیگر گروه‌های ضد امریکایی وجود ندارد و آمادگی برای انجام عملیات مشابه ۱۱ سپتمبر فراهم نیست. همچنان ایالات متحده می‌خواهد برای دفاع از متحدانش در منطقه برخی عملیات انجام دهد؛ به‌ویژه پاکستان کشوری است که از منظر تاریخی مجری طرح‌های امریکایی بوده و در آینده نیز ممکن است پروژه‌هایی را برای امریکا اجرا کند؛ پاکستان ممکن است در عوض خواستار کنترل و سرکوب «تحریک طالبان پاکستان (TPP)» شود و ایالات متحده بتواند این کار را از طریق پایگاه بگرام انجام دهد.

۳- افزون بر این، این پایگاه برای نظارت بر ایران، روسیه و آسیای مرکزی و نیز برای انجام عملیات مخفی و ویژه در برخی کشورها به‌خصوص در ایران اهمیت دارد.

۴- در سال ۲۰۲۱ امریکایی‌ها به طرز بسیار ناکام گونه‌ای از افغانستان بیرون رانده شدند و حیثیت‌شان در سراسر جهان آسیب دید؛ ترامپ نیز به بایدن انتقاد می‌کرد که آنان مأموریتی شکست‌خورده را اجرا کردند و فاجعه بزرگی به وجود آمد. بنابراین ترامپ می‌خواهد با به دست آوردن پایگاه بگرام این ناکامی‌ها را پنهان کند و به جهان نشان دهد که خروج ما تاکتیکی بود و حالا ما دوست داریم دوباره به افغانستان برگردیم تا حیثیت‌مان را در جهان بازیابیم.

۵- همچنان یکی دیگر از اهداف احتمالی از به دست آوردن پایگاه بگرام می‌تواند بازیابی تدارکات و تسلیحات رهاشده آنها و یا نابودسازی آن‌ها باشد.

واکنش‌ها در برابر این اظهارات ترامپ

امارت اسلامی با در نظر گرفتن تعهدش به تمامیت ارضی و حاکمیت افغانستان این درخواست را رد کرده و به طور قاطع با تحویل پایگاه هوایی بگرام مخالفت نموده است.^۵

چین گفته است که تصمیم درباره بازگشت امریکا به بگرام صرفاً حق افغانستان و مردم آن کشور است و باید به تمامیت ارضی و حاکمیت ملی افغانستان احترام گذاشته شود؛ روشن است که چین با حضور نظامی امریکایی‌ها در افغانستان مخالف است.

روسیه امارت اسلامی را به صورت رسمی به رسمیت شناخته و روابط نزدیکی با آن برقرار کرده است و علت عمده این روابط نزدیک بین چین و روسیه این است که نباید امارت اسلامی بار دیگر به آغوش ایالات متحده سقوط کند و باید از آن حمایت شود؛ بنابراین روسیه هرگز حاضر نخواهد شد که حضور نظامی امریکایی‌ها در افغانستان را بپذیرد و رضایت نشان دهد.

فواید تحویل پایگاه هوایی بگرام به ایالات متحده امریکا

تحویل پایگاه هوایی بگرام به ایالات متحده می‌تواند برخی مزایا داشته باشد که به شرح زیر است:

۱- سود مادی: ممکن است ایالات متحده در ازای این پایگاه به صورت ماهانه یا سالانه به امارت اسلامی پرداخت مالی داشته باشد.

۲- به رسمیت شناخته شدن امارت اسلامی: اگر امارت اسلامی برای مذاکره در باره تحویل یا عدم تحویل بگرام حاضر شود، طبیعی است که در مقابل این پایگاه امارت خواهان به رسمیت شناسی رسمی خواهد شد و احتمال دارد که امریکایی‌ها این خواست را بپذیرند.

۳- گسترش روابط بین‌المللی امارت اسلامی: مزیت دیگر این است که مناسبات بین‌المللی امارت اسلامی می‌تواند توسعه یابد، زیرا ایالات متحده می‌تواند کشورهای امریکایی، اروپایی، آفریقایی و برخی کشورهای آسیایی را قانع کند که امارت اسلامی را به رسمیت بشناسند و با آن روابط برقرار کنند؛ این روابط اثر مثبتی بر وضعیت اقتصادی و سیاسی افغانستان خواهد داشت.

زیان‌های تحویل پایگاه هوایی بگرام به ایالات متحده

۱- مهم‌ترین زیان این است که مبارزه بیست‌ساله امارت اسلامی در معرض سؤال قرار می‌گیرد، زیرا امارت به مدت بیست سال جهاد کرده است با این استدلال که افغانستان اشغال شده است و تا زمانی که یک نظامی امریکایی در افغانستان باشد، جهاد ادامه دارد؛ اگر اکنون امارت زمینه حضور نظامی امریکایی‌ها را فراهم کند، طبیعی است که مبارزه بیست‌ساله زیر سؤال می‌رود.

۲- در صورتی که پایگاه بگرام به امریکایی‌ها واگذار شود، ممکن است این تصمیم برای برخی مجاهدان و رهبران معمول قابل‌پذیرش نباشد و این می‌تواند سبب بروز اختلافات داخلی در درون امارت اسلامی گردد.

۳- افزایش ناامنی: حضور نظامیان امریکایی در بگرام می‌تواند به گروه‌های مخالف بهانه تازه‌ای بدهد تا مردم را به جهاد فراخوانند و حضور نظامی امریکا را بار دیگر به نسل جوان به صورت اشغال معرفی کنند و جوانان را به نام جهاد جذب صفوف خود نمایند؛ در نتیجه حملات بر پایگاه بگرام از سر گرفته خواهد شد و حملاتی نیز علیه امارت اسلامی آغاز می‌شود که بار دیگر افغانستان را ناامن خواهد ساخت.

۴- تخریب روابط با کشورهای منطقه: روسیه، چین و ایران مخالف بازگشت مجدد حضور نظامی امریکا در افغانستان و پس از خروج امریکایی‌ها روابط امارت اسلامی با این کشورها بهتر شد؛ اگر امریکایی‌ها دوباره حضور نظامی بیابند، امکان خراب‌شدن روابط امارت اسلامی با این کشورها بسیار زیاد است.

۵- نفوذ امریکا از طریق پایگاه‌ها: در کشورهایی که امریکا پایگاه دارد، از طریق همان پایگاه‌ها بر حکومت‌ها نفوذ می‌کند و امور آن کشور را از آن‌جا کنترل می‌نماید؛ هر حکومتی که برخلاف منافع ملی امریکا باشد، از راه‌های مختلف از طریق آن پایگاه ضعیف‌سازی می‌شود. بنابراین اگر امریکایی‌ها به بگرام بازگردند، با گروه‌های مخالف حکومت روابط برقرار خواهند کرد، شخصیت‌های مردمی را علیه حکومت تأمین مالی و ترغیب خواهند نمود و در داخل حکومت زمینه فساد فراهم خواهند ساخت؛ از این طریق حکومت ضعیف می‌شود و سپس تحت فشار قرار گرفته و مجبور به پذیرش خواسته‌های آنها می‌گردد.

۶- پدید آمدن مشکلات حقوقی: اگر امریکایی‌ها حضور نظامی در داخل افغانستان پیدا کنند، طبیعتاً چنین حضوری مبتنی بر یک قرارداد خواهد بود؛ اگر از این قرارداد تخلف شود چه کسی رسیدگی خواهد کرد؟

امریکا در شکستن قراردادهای سابقه تاریخی دارد؛ اگر امریکایی‌ها از مفاد قرارداد سرپیچی کنند، امارت اسلامی باید در مقابل این قدرت بزرگ چگونه برخورد کند و اختلاف را به کدام محکمه ببرد؟ علاوه بر این، سازمان‌ها و محاکم بین‌المللی تحت تأثیر امریکا قرار دارند و اگر مسیر قضایی دنبال نشود، امارت اسلامی ناچار است به مبارزه نظامی مبادرت ورزد و این بار راهی برای جنگ میان ایالات متحده و افغانستان گشوده می‌شود که منشأ همه فلاکت‌ها خواهد بود.

پایله

پایگاه هوایی بگرام از اهمیت استراتژیک برخوردار است. ایالات متحده می‌تواند از طریق این پایگاه رقبای خود را در منطقه زیر نظر بگیرد و در مواقع نیاز از این پایگاه عملیات پنهانی انجام دهد. واگذاری این پایگاه به ایالات متحده از یک سو دارای منفعت مادی است و از سوی دیگر برای به رسمیت شناخته شدن امارت اسلامی و گسترش روابط بین‌المللی مهم می‌باشد، اما در برابر این منافع، واگذاری پایگاه زیان‌های بزرگ نیز در پی دارد، مانند: افزایش اختلافات داخلی در امارت اسلامی، تضعیف حکومت مرکزی افغانستان، تقویت مخالفان امارت اسلامی و کسب پروژه‌های جدید؛ و به‌ویژه با واگذاری این پایگاه، روابط امارت اسلامی با چین، روسیه و ایران تیره خواهد شد و این روابط تیره سبب خواهد شد که افغانستان بار دیگر میدان رقابت بازیگران بزرگ گردد که به هیچ وجه به سود افغانستان نیست. همچنان امارت اسلامی به صراحت تحویل این پایگاه به امریکایی‌ها را رد کرده است و این موضع بسیار معقول و درست است زیرا همه افغان‌ها مخالف اشغال‌اند و این تصمیم در چارچوب منافع ملی و مصالح اسلامی یک تصمیم مناسب است و انتظار می‌رود امارت اسلامی بر همین موضع بایستد؛ البته باید با این قضیه بسیار حکیمانه برخورد شود و از طریق تعامل و مذاکرات با ایالات متحده این مسئله حل گردد.

منابع

¹ Hannah Corken. "Bagram Air Base: History, Significance, And Current Status", Grimsby Live, Sep 21, 2025, Access [link](#)

² Karishma Jain. "Trump Wants Bagram Air Base Back: Why The US Is Demanding It And Why Kabul Says No", News 18, September 22, 2025, Access [link](#)

³ Jeremy Nicholson M.S.W. "The Psychology Behind Donald Trump's Negotiating Strategy", psychology today, March 14, 2025, Access [link](#)

⁴ Philip Brown. "Learning from Trump's Tactics in 2025" the negotiation clubs, 2025, Access [link](#)

⁵ Associated Press. "The Taliban reject Trump's bid to retake Bagram Air Base in Afghanistan", September 21, 2025, Access [link](#)

مرکز مطالعات استراتژیک و منطقوی یک نهاد مطالعاتی غیردولتی و غیرانتفاعی می‌باشد که در سال ۱۳۸۸ خورشیدی در شهر کابل بنیان نهاده شده است. این مرکز از طریق پژوهش‌های دقیق و بی‌طرفانه خویش به منظور ارزیابی و غنامندی پالیسی‌ها در افغانستان و منطقه فعالیت می‌کند.

ارتباط با ما:

ایمیل: info@csrsaf.org

وب سایت: www.csrsaf.org



+93780618000

تماس: +۹۳۷۸۰۶۱۸۰۰۰



www.csrsaf.org



info@csrsaf.org